

بررسی چرایی ماندگاری بحران‌های ژئوپولیتیک غرب آسیا

مطالعه موردی سوریه پس از ۲۰۱۰

دریافت مقاله: ۹۶/۵/۶

پذیرش نهایی: ۹۷/۱/۹

DOI: 10.29252/geores.33.1.51

چکیده

غرب آسیا، از همان آغاز شکل‌گیری نظام دولت در این منطقه، همواره بحران‌آلودترین منطقه در ژئوپولیتیک جهانی بوده است. این وضعیت به‌ویژه در هزاره جدید میلادی در اثر دخالت‌های فرا منطقه‌ای، اشغالگری نامشروع، جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای بیش‌ازپیش تشدید شده‌اند. در حال حاضر کشورهای این منطقه یا میدان خشونت‌بارترین منازعات نظامی هستند یا به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در آن‌ها درگیرند. از طرفی کنشگران فرا منطقه‌ای نیز مجال مداخله در این قبیل بحران‌ها را به دست آورده‌اند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد شدت یابی بحران‌های غرب آسیا خصلت خودتداوم‌یابنده نیز یافته‌اند، به گونه‌ای که تاکنون هیچ راه‌حل عملی امیدبخشی برای حل‌وفصل آن‌ها ارائه نشده است. بارزترین جلوه تجربی این مدعا را می‌توان آشکارا در بحران سوریه مشاهده کرد. تحلیل‌گران، در علت‌یابی این وضعیت، همواره بر یک یا چند عامل محدود تمرکز می‌کنند و در بسیاری مواقع در دام تقلیل‌گرایی می‌افتند. در این نوشتار تلاش می‌شود با عنایت به این سؤال اصلی که «چرا بحران‌های غرب آسیا، با تأکید بر بحران سوریه از ۲۰۱۰ به بعد ماندگارند؟» از طریق تلفیق سه سطح فرو ملی، ملی و بین‌المللی، مدل نظری جامعی در زمینه تبیین این وضعیت ارائه شود و با بهره‌گیری از آن، راهکار عملی برای برون‌رفت از بحران‌های مذکور مطرح گردد. در همین راستا، با بهره‌گیری از روش تبیینی تحلیلی و توسل به داده‌های تاریخی و شواهد تجربی روز، استدلال شده است که «پایداری تعامل عوامل قوام‌بخش و مجال بخش در غرب آسیا با تأکید بر موضوع بحران دولت بین‌المللی سوریه پس از ۲۰۱۰، زمینه را برای ماندگاری بحران‌ها در این منطقه و کشور فراهم نموده است». در نتیجه‌گیری، چنین استدلال شده است که بحران‌های ژئوپولیتیک در غرب آسیا نه تنها ماندگاری داشته‌اند بلکه به علت انباشتگی چالش‌های فرارویشان، تسری فرا منطقه‌ای آن‌ها نیز دور از انتظار نیست. راه‌حل عملی برای مقابله با چنین وضعیتی همانا عادی‌سازی نظام دولت بر پایه زدودن چالش‌های مجال بخش و قوام‌بخش خواهد بود که طبعاً وجود دولت‌های کارآمد، مدیریت منازعات منطقه‌ای و فقدان مداخله قدرت‌های بزرگ را ضروری خواهد ساخت.

واژگان کلیدی: سوریه، غرب آسیا، ناکامیابی دولت، دولت بین‌المللی، عوامل قوام‌بخش، عوامل مجال بخش

مقدمه

هرچند سیر تطور نظام دولت از پیمان وستفالی در سال ۱۹۴۸ شروع شده است، ولی دولت‌ها در مناطق جغرافیایی گوناگون، طی دوره‌های تاریخی مختلف و شرایط بسیار متفاوتی شکل گرفته‌اند؛ اصلی‌ترین تفاوت‌ها با فروپاشی امپراتوری‌های پس از جنگ اول

جهانی، استعمارزدایی پس از جنگ دوم جهانی، و سقوط کمونیسم پس از جنگ سرد رخ داد، به گونه‌ای که در طی صدسال اخیر هرچه بیشتر بر شمار دولت‌ها افزوده شد (یزدان فام، ۱۳۹۲: ۲۷). به موازات شکل‌گیری دولت‌های جدید در نواحی غیر غربی، بحران‌های امنیتی و نظامی نیز به نحوی شکل گرفت که در سراسر قرن بیستم و حتی بعد از آن به صورت پدیده‌ای مزمن درآمده است.

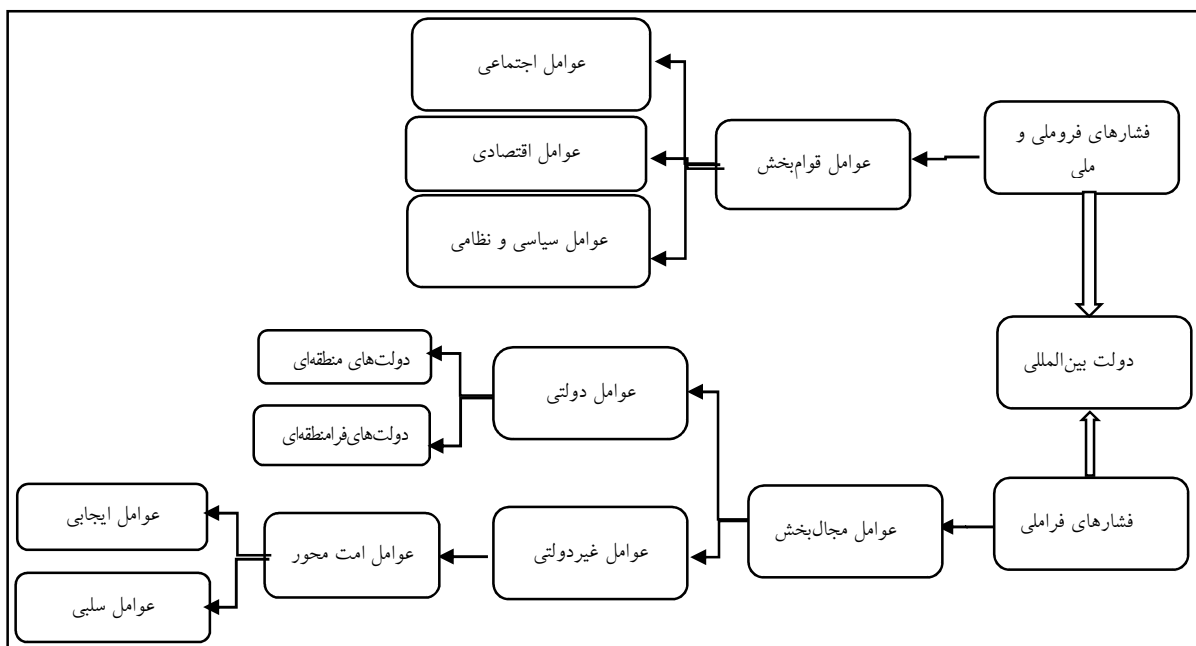
در این میان، می‌توان استدلال کرد که در سال‌های دهه ۱۹۹۰ و پس از آن، تحولات غرب آسیا با سرعت بیش‌تری پیش رفت. سیر حوادث در غرب آسیا تا اوایل دهه ۲۰۰۰، و در نهایت ۲۰۰۳، به واسطه چهار تحول شگرف منطقه‌ای و پیامدهای جهانی آن مشخص می‌شود: تجاوز عراق به کویت در دوم آگوست ۱۹۹۰؛ امضای اعلامیه اصول اسرائیل - فلسطین در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳؛ حمله القاعده به ایالات متحده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱؛ اشغال عراق در مارس و آوریل ۲۰۰۳ (Halliday, 2005: 130). این رویدادها غرب آسیا را به منطقه‌ای منازعه‌آلود بدل نمودند. با وقوع خیزش‌های مردمی و به موازات آن، ظهور کنش‌گران جدیدی از قبیل داعش در دهه دوم سده بیست و یکم، اکنون منطقه آکنده از منازعه است، حتی در معنای «هابزی»، تلاش‌های مداوم و مکرر برای ساختن رژیم‌های امنیتی با شکست مواجه شده‌اند. نوع ترک‌برداشته‌ای از جامعه بین‌المللی منطقه‌ای - با رویه‌های معمول از قبیل حاکمیت، دیپلماسی و موازنه‌ی قدرت - به چشم می‌خورد، اما مبتلا به ناهم‌سازی هنجاری است، مشروعیت‌اش به شدت مورد مناقشه است، با جنگ‌های دوره‌ای، انقلاب‌ها و مداخله‌هایی روبه‌روست که به دنبال بازسازی یا دفاع از این نظم هستند (هالیدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۱).

در نتیجه، می‌توان گفت که بحران‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا، به‌ویژه در هزاره جدید میلادی تشدید گردیده است، به گونه‌ای که در حال حاضر کشورهای این منطقه یا میدان خشونت‌بارترین منازعات نظامی هستند یا به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در آن‌ها درگیرند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد شدت یابی بحران‌های غرب آسیا خصلت خودتداوم‌یابنده نیز یافته‌اند، به گونه‌ای که تاکنون هیچ راه‌حل عملی امیدبخشی برای حل و فصل آن‌ها ارائه نشده است. بارزترین جلوه تجربی این مدعا را می‌توان آشکارا در بحران سوریه مشاهده کرد. در این نوشتار تلاش می‌شود از طریق تلفیق سه سطح فرو ملی، ملی و بین‌المللی، مدل نظری جامعی در زمینه تبیین این وضعیت ارائه شود و با بهره‌گیری از آن، راهکار عملی برای برون‌رفت از بحران‌های مذکور مطرح گردد.

چارچوب نظری

در راستای اهداف نوشتار حاضر، دولت به‌عنوان واحد اصلی چارچوب نظری در نظر گرفته می‌شود. دولت‌ها در کاربرد مشروع خشونت سازمان‌یافته تخصص دارند. به بیان چالرز تیلی، دولت‌ها «قادرهای حفاظت‌گرا» هستند (ونت، ۱۳۹۲: ۲۹۷). در خوانش تاریخی حدود سه و نیم قرن از عمر دولت‌های برآمده از وستفالی می‌گذرد. در این مدت، دولت‌ها در چارچوب مرزهای ملی خویش از حاکمیت و اقتدار کافی برخوردار بوده‌اند. در این شرایط دولت‌ها قادر به نظارت و کنترل شهروندان خویش بوده و توانسته‌اند قوانین موردنظر خود را وضع نمایند. با تسریع و تشدید روند جهانی‌شدن، ضمن فرسایش اقتدار دولت‌ها، نفوذپذیری مرزها و تحدید حاکمیت آن‌ها، ده‌ها بازیگر غیر حکومتی وارد عمل شده و در اقتدار دولت‌ها سهم گردیده‌اند (قوام، ۱۳۹۰: ۵۶). اگرچه در نگاه نخست به نظر می‌رسد جهانی‌شدن در پیوند با رشد وابستگی متقابل و گسترش "مناطق صلح" قرار داشته است، ولی غرب آسیا در طی قریب به سه دهه گذشته به یک منطقه جنگ بدل شده است (Hinnebusch, 2003: 204)، چراکه قبل از تشدید روند جهانی‌شدن در اثر حاکم بودن فضای ایدئولوژیک جنگ سرد، بسیاری از دولت‌های ضعیف و آسیب‌پذیر به‌رحال می‌توانستند مکانی برای خود در جهان بیابند. ولی در وضعیت کنونی این قبیل دولت‌ها نه تنها نمی‌توانند جایگاه خویش را در جهان پیدا کنند، بلکه قادر نیستند از طریق دسترسی به جهان، یکپارچگی سیاسی داخلی خود را حفظ نمایند (قوام، ۱۳۹۰: ۴۱). از منظری دیگر با نگاه به غرب آسیا، جهانی‌شدن زمینه را

برای ناکامیابی دولت در منطقه فراهم آورده است. دولت ناکامیاب که امور داخلی آن به دست آویزی برای مداخله قدرت ها بدل می شود، به دولت بین المللی بدل شده که حاصل این امر به حاشیه رفتن امر ملی در این دولت ها است. شکل این صورت بندی جدید از دولت در زیر آمده است:



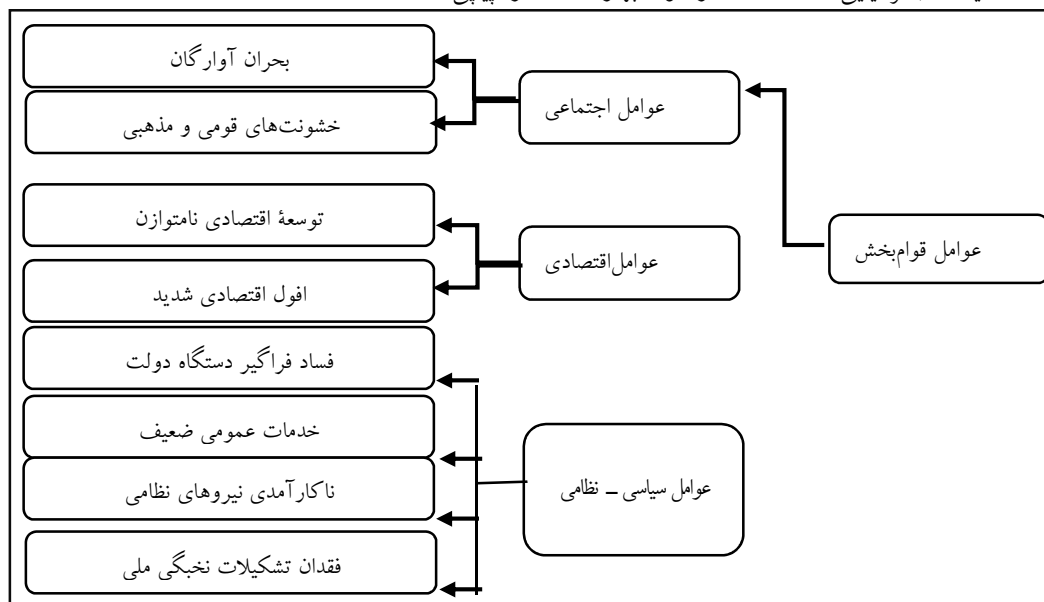
شکل ۱- چگونگی بین المللی شدن دولت در غرب آسیا

منبع: (طالبی آرانی، ۱۳۹۳)

بر اساس شکل ۱، دولت بین المللی در غرب آسیا در وضعیت بحران ژئوپلیتیکی و ناکامیابی دولت، تحت تأثیر دودسته فشارها قرار می گیرد؛ فشارهای فرو ملی و ملی از داخل و فشارهای فراملی از بیرون، در نهایت در برخی از کشورهای غرب آسیا شاهد شکل گیری دولت های بین المللی به عنوان برون داد این وضعیت هستیم. حال فشارهای فراملی خود به دودسته اصلی تقسیم می شوند؛ فشارها یا دولتی هستند یا غیردولتی. فشارهای دولتی خود به دو بخش اصلی تقسیم می شود؛ دولت های منطقه ای و قدرت های فرامطقه ای. فشارهای غیردولتی نیز در قالب عوامل امت محور و دو صورت ایجابی و سلبی قابل تقسیم بندی هستند. فشارهای فرو ملی به سه دسته کلان تقسیم می شوند؛ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نظامی (طالبی آرانی، ۱۳۹۳: ۱۹).

عوامل قوام بخش تأثیرگذار بر شکل گیری و ماندگاری بحران های ژئوپولیتیک

این عوامل به ظرفیت های داخلی بحران سازی ژئوپولیتیک و ماندگاری آن اشاره دارند. این عوامل را می توان در سه بعد مطرح کرد: الف- بعد اجتماعی شامل؛ بحران آوارگان و پناهندگان، خشونت های قومی مذهبی؛ ب- بعد اقتصادی شامل؛ توسعه اقتصادی نامتوازن، و افول اقتصادی شدید؛ ج- بعد سیاسی- نظامی شامل فساد فراگیر در دستگاه دولت، روند بدتر شدن خدمات عمومی، ناکارآمدی نیروهای نظامی و انتظامی، و فقدان شکل گیری تشکیلات نخبگی ملی (ملهم از ۱۸: FFP, 2015). صورت بندی نمودار عوامل قوام بخش^۲ در شکل ۲ طرح شده است.



شکل ۲- عوامل قوام بخش تأثیر گذار بر شکل گیری و ماندگاری بحران های ژئوپلیتیکی در مناطق غیر غربی

منبع: (طالبی آرانی، ۱۳۹۳)

عوامل مجال بخش تأثیر گذار بر شکل گیری و ماندگاری بحران های ژئوپلیتیکی

در پرتوی مفروض نظری که در بالا مورد بحث قرار گرفت، دولت به طور عام و دولت بین المللی به طور خاص، در خلأ عمل نمی کند. از این رو، وقوع هر تحولی از جمله بحران ژئوپلیتیکی در هر دولتی لاجرم از عوامل خارجی نیز تأثیر می پذیرد که ما در اینجا از آن ها با عنوان عوامل مجال بخش یاد می کنیم. این عوامل به مداخلات منطقه ای و بین المللی در شکل گیری و ماندگاری بحران های ژئوپلیتیکی بازمی گردد که در دو سطح دولتی و غیردولتی قابل دسته بندی هستند.

عوامل قوام بخش تأثیر گذار بر شکل گیری و ماندگاری بحران ژئوپلیتیکی سوریه

در این بخش با عنایت به سه شاخص اساسی یعنی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی - نظامی به بررسی دو سطح تحلیل درهم تنیده ملی و فرو ملی خواهیم پرداخت که در نهایت به معنای به حاشیه رفتن امر ملی و بی توجهی به شکل گیری عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی - نظامی در سطح ملی در سوریه است.

الف) عوامل اجتماعی

بحران آوارگان

سوریه امروز، یکی از بحران های انسانی بسیار پیچیده جهان است. ۴/۸ میلیون نفر از مردم این کشور، وادار به ترک کشور خود شده و ۶/۵ میلیون نفر نیز در داخل کشور آواره شده اند، که این موضوع سوریه را به بزرگ ترین کشور آوارگان در سراسر جهان بدل نموده است. در سال ۲۰۱۶، برآوردها نشان می دهد که ۱۳/۵ میلیون نفر از مردم، شامل ۶ میلیون کودک، نیازمند کمک های بشردوستانه هستند. از این تعداد ۵/۴۷ میلیون نفر در مناطق تحت دسترسی سخت قرار دارند، که می توان به محاصره ۶۰۰ هزار نفر در ۱۸ منطقه تحت محاصره اشاره کرد (UNOCHA, 2016).

به گزارش یکی از نهادهای بشردوستانه به نام "مرسی کورپس"، خانواده‌های سوری در داخل این کشور، در منازعه برای بقا هستند، یا خانه‌ای جدید در کشورهای همسایه ساخته‌اند. برخی نیز زندگی‌شان را در مسیر اروپا با امید به این که فرصتی و پذیرشی را کسب کنند، به خطر می‌اندازند. در سال ۲۰۱۲، ۱۰۰ هزار آواره وجود داشت، در آوریل ۲۰۱۳ به ۸۰۰ هزار نفر رسید و پس از ۴ ماه به ۱/۶ میلیون نفر یعنی دو برابر رسید. اکنون در سال ۲۰۱۶، بیش از ۴/۸ میلیون سوری آواره خارج از مرزهای سوریه هستند (Mercy Corps, 2016).

خشونت‌های قومی و مذهبی

سوریه کشوری است در گیر خشونت‌های قومی و مذهبی، که از سال ۲۰۱۱، با بالا گرفتن این خشونت‌ها به‌ویژه با ظهور داعش در سال ۲۰۱۳، شاهد تشدید منازعه‌های قومی و مذهبی در این کشور هستیم. اعتراضات در مارس ۲۰۱۱ در شهر جنوبی درعا، به دنبال نقاشی‌های چند جوان بر دیوارهای مدارس شروع شد. اما از آن هنگام که نیروهای امنیتی آتش روی معترضان گشودند، عده بیشتری به خیابان‌ها ریختند. این عوامل زمینه را برای تشدید منازعه قومی و مذهبی و چندپاره شدن تنش‌ها میان گروه‌های قومی و مذهبی کرد، شیعه، سنی، علوی، مسیحی، آشوری، ترکمان و دیگر اقلیت‌ها فراهم نمود. تشدید خشونت‌ها این کشور را به درون یک جنگ داخلی فروبرد که گروه‌های نظامی قومی و قبیله‌ای با برداشتن سلاح حکومت را از کنترل شهرهایشان دور کردند که این خود بر تشدید خشونت‌ها افزود (Sly, 2011: 12). با دامن زدن به منازعات فرقه‌ای، کشور به اکثریت سنی علیه فرقه علوی اسد تقسیم شد و به مداخله کشورهای منطقه‌ای و جهانی دامن زد. خیزش گروه‌های جهادی مانند دولت اسلامی بعد دیگری از این تنش‌ها است. بر اساس آخرین گزارش‌ها، از هر ۱۰ نفر سوری، ۱ نفر کشته یا دچار آسیب شده است. مرکز سوری برای تحقیقات سیاسی می‌گوید از ابتدای بحران سوریه تاکنون ۴۷۰ هزار نفر کشته شده‌اند (PBS, 2016). در آماری دیگر از مارس ۲۰۱۱ تاکنون، بیش از یک‌چهارم میلیون نفر از جمعیت سوریه کشته و بیش از یک‌میلیون نفر نیز زخمی شده‌اند (UNOCHA, 2016).

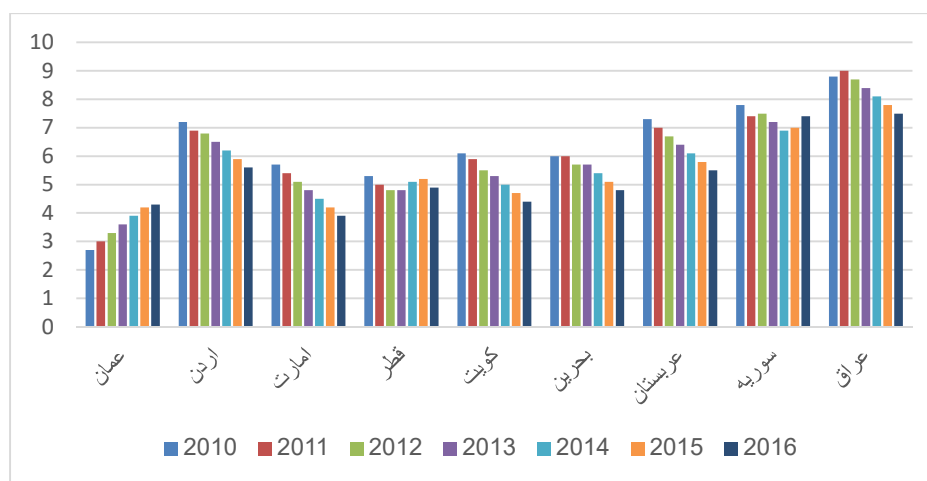
ب) عوامل اقتصادی

۱- توسعه اقتصادی نامتوازن

ارائه تصویر روشنی از وضعیت اقتصادی سوریه، در شاخص توسعه اقتصادی نامتوازن، نیازمند یک رویکرد مقایسه‌ای است تا بتواند در کی بهتر از این مؤلفه را نشان دهد. در همین راستا، از شاخص دولت‌های شکننده^۳ لار بنیاد صلح، بخش توسعه اقتصادی نامتوازن به شکل مقایسه‌ای میان کشورها استفاده می‌کنیم. امتیازدهی به هر پارامتر در شاخص دولت‌های شکننده بر اساس ۰ تا ۱۰ است، بدین معنا که هر چه کشوری در وضعیت توسعه اقتصادی نامتوازن به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان از توسعه اقتصادی متوازن داشته و یک اقتصاد پویا در داخل با بهره‌مندی تمام گروه‌ها و جناح‌ها و مناطق و نیز عدم اختلاف شدید درآمدهای دهک‌های بالا و پایین را نشان می‌دهد. در مقابل هرچه امتیاز کشوری در این شاخص به ۱۰ نزدیک‌تر باشد، آن کشور از وضعیت توسعه اقتصادی نامتوازن شدید رنج می‌برد، اختلاف شدیدی میان درآمد دهک‌های بالا و پایین وجود دارد، تبعیض شدیدی میان خدمات شهری و روستایی و نیز دسترسی به خدمات مترقی در مناطق مختلف وجود دارد. برای این شاخص تلاش می‌شود تا با الهام از بنیاد صلح و شاخص‌های شکنندگی، ۹ کشور غرب آسیایی را که سوریه هم یکی از آن‌ها است در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، در قالب یک نمودار موردبررسی

7. Fragile States Index

قرار دهیم (23: 2016-2010, FFP). این کشور در میان این فهرست ۹ کشوری در غرب آسیا، درگیر بحران ژئوپلیتیکی ماندگاری است که در کنار سایر کشورهای منطقه، درک روشنی از وضعیت اقتصادی آن می‌دهد.



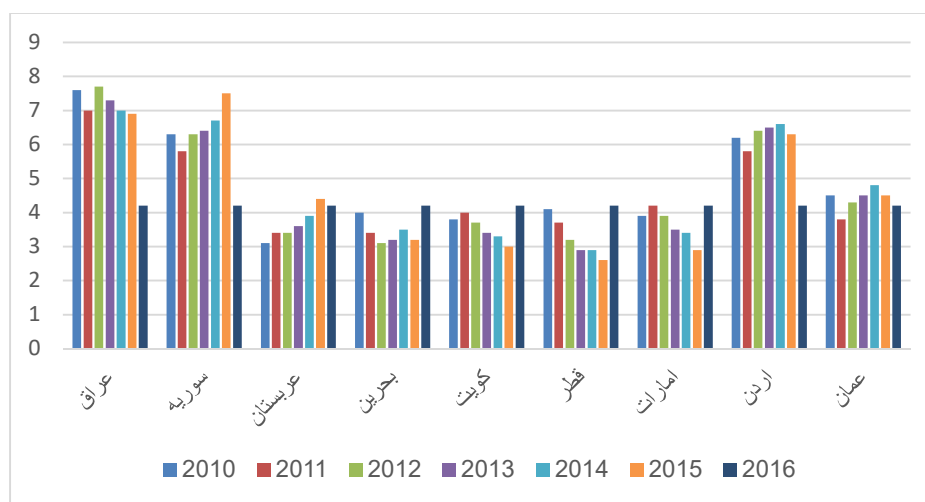
نمودار ۱- مقایسه توسعه اقتصادی نامتوازن سوریه و ۸ کشور غرب آسیا از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶

منبع: (زرین نرگس، ۱۳۹۴)

بر اساس نمودار، کشور سوریه از امتیاز ۰ تا ۱۰ که ۰ به معنای ثبات و ۱۰ به معنای شکنندگی بالا و وضعیت قرمز است جزو کشورهای بسیار شکننده غرب آسیا در این شاخص است. امتیاز سوریه در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ شامل: ۲۰۱۱ (۷/۸)، ۲۰۱۲ (۷/۵)، ۲۰۱۳ (۷/۲)، ۲۰۱۴ (۶/۹) و ۲۰۱۵ (۷) و ۲۰۱۶ (۷/۴) می‌باشد که باید توجه داشت به واسطه بحران داخلی در سوریه اقتصاد این کشور در حال فروپاشی است.

افول اقتصادی شدید

افول اقتصادی شدید به معنای ناتوانی دولت در برآوردن نیازهای آن دسته از شهروندان است که ناتوان از برآوردن نیازهای خود می‌باشند. هم‌چون بخش پیشین، از شاخص دولت‌های شکننده در بنیاد صلح، بخش افول اقتصادی را به شکل مقایسه‌ای میان کشورها استفاده می‌کنیم. امتیازدهی به هر پارامتر در شاخص دولت‌های شکننده بر اساس ۰ تا ۱۰ است، بدین معنا که هرچه کشوری در وضعیت افول اقتصادی به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان از عدم افول اقتصادی داشته و یک اقتصاد توانمند است که در تأمین نیازهای داخلی و رفع فقر و بیکاری و کاهش تورم در داخل موفق است، اما مادامی که دولتی به ۱۰ نزدیک باشد، به معنای بیکاری شدید، عدم توانایی قدرت خرید، کمبودهای اقتصادی، قرض دولت، درآمد سرانه ناچیز و رشد تولید ناخالص داخلی آن است (23: 2016, FFP). حال بر اساس نمودار زیر به بررسی وضعیت مقایسه‌ای افول اقتصادی سوریه در طی سال‌های ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۶ در مقایسه با ۸ کشور دیگر غرب آسیا خواهیم پرداخت.



نمودار ۲- افول اقتصادی سوریه در مقایسه با ۸ کشور غرب آسیا (۲۰۱۰ - ۲۰۱۶)

منبع: (زرین نرگس، ۱۳۹۴)

چنان که در نمودار بالا شاهدیم، کشور سوریه از امتیاز ۰ تا ۱۰ که ۰ به معنای ثبات و ۱۰ به معنای شکنندگی بالا و وضعیت قرمز است جزو کشورهای بسیار شکننده غرب آسیا در این شاخص است که اردن تنها کشور نزدیک به آن هاست. در مورد سوریه شاهدیم با تشدید بحران در این کشور، وضعیت اقتصادی آن هر ساله به سمت وخیم تر شدن نیل می کند.

پ) عوامل سیاسی - نظامی

۱- فساد فراگیر در کشور و نظام سیاسی حاکم

برای درک وضعیت فساد در سوریه، به آمارهای و شاخص بندی های سالانه سازمان شفافیت بین المللی ارجاع می شود. درک این شاخص در وضعیت مقایسه ای میان ۱۷۵ الی ۱۸۰ کشور، چشم انداز روشنی از وضعیت سوریه را ارائه خواهد نمود.



نمودار ۳- رتبه شفافیت بین المللی سوریه از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶

<http://www.tradingeconomics.com/iraq/corruption-rank>

با عنایت به نمودار بالا سوریه با کسب جایگاه ۱۵۴ در میان ۱۷۵ کشور مورد بررسی در سال ۲۰۱۵، از فاسدترین کشورهای جهان به حساب می‌آید که محاسبه آن توسط نهاد شفافیت بین‌المللی انجام شده است. شاخص فساد سوریه با میانگین ۱۲۲/۴۶ از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵، در بالاترین حالت سطح ۱۶۸ را در سال ۲۰۱۳، یعنی سال اوج جنگ در سوریه کسب نموده و پایین‌ترین رده این کشور نیز به سال ۲۰۰۳ یعنی ۶۶ بوده است (TE, 2006 - 2016).

خدمات عمومی ضعیف

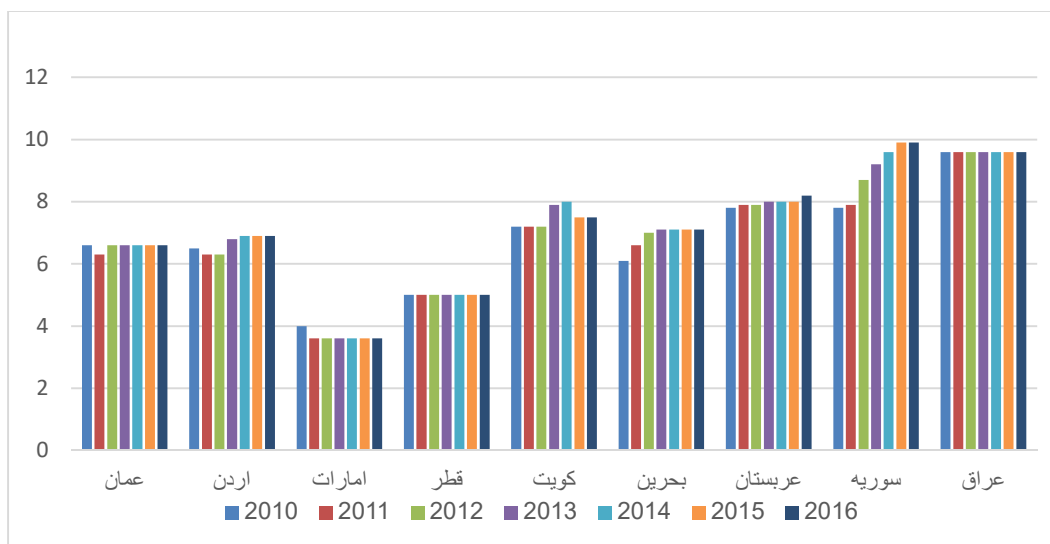
در اثر بحران سوریه، مردم این کشور در دسترسی به منابع خدماتی و بهداشتی با مشکل مواجه شده‌اند. بر اساس آمارهای دفتر ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانه از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶، شاهدیم که حدود ۱۱/۵ میلیون نفر از مردم سوریه، نیازمند مراقبت‌های بهداشتی هستند، ۱۳/۵ میلیون نفر نیازمند حمایت بشردوستانه و ۱۲/۱ میلیون نفر نیازمند آب و تأسیسات بهداشتی، حال آن‌که، ۵/۷ میلیون کودک نیازمند حمایت‌های آموزشی بوده و در حدود ۲/۷ میلیون نفر از آن‌ها نیز از تحصیل بازمانده‌اند. حدود ۲/۴۸ میلیون انسان در ناامنی غذایی به سر می‌برند و با این حال، بیش از ۱/۵ میلیون به سرپناه و لوازم مورد نیاز برای زندگی نیاز دارند. دسترسی‌های بشردوستانه به نیازهای انسانی در سوریه در نتیجه بحران این کشور مغفول مانده است، از مهم‌ترین بحران‌های دامن‌گیر این کشور می‌توان به موانع اداری و بوروکراتیک در مسیر کمک‌های بشردوستانه، خشونت در امتداد مسیرهای دسترسی و ایمنی عمومی و نگرانی‌های امنیتی در نقض قوانین بین‌المللی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی اشاره نمود (UNOCHA, 2016).

ناکارآمدی نیروهای نظامی و انتظامی

ارتش سوریه یکی از مهم‌ترین ارکان این کشور است و دارای سابقه تاریخی در تحولات این کشور می‌باشد. این ارتش در اصل ریشه در نیروهای محلی و قبیله‌ای دارد که پس از پایان قیمومیت فرانسه و کسب استقلال سوریه، در درون ارتش رسمی این کشور ادغام شد (Pollack, 2004: 5). در سال ۲۰۱۱، با شروع بحران داخلی سوریه و گسترش اعتراضات ضد دولتی در این کشور، شاهد شکاف و فروپاشی بخش‌هایی از ارتش رسمی این کشور هستیم. در این سال، حدود ۱۰ هزار نفر از نیروهای ارتش، پست‌های خود را رها کرده و بیشترشان ارتش آزاد سوریه را برای مبارزه با دولت قانونی بشار اسد تشکیل دادند. در همین سال ارتش آزاد، تعداد نیروهای ارتش دولت را ۲۰۰ هزار نفر تخمین زد. در سال ۲۰۱۲، برخی از ارتشیان به واسطه عدم تمایل به مقابله با معترضان، پست‌های خود را ترک کردند که تخمین زده شد در این سال نیز ۶۰ هزار نفر از نیروهای ارتش کم شده باشد (Emre, Abu-Nasr, 2012).

فقدان تشکیلات نخبگی ملی

یکی از شاخص‌های دولت‌های شکننده در بنیاد صلح، نخبگان جناحی شده یا فقدان تشکیلات نخبگی ملی است. یکی از راه‌های سنجش وضعیت نخبگان در سوریه و عدم شکل‌گیری تشکیلات نخبگی ملی مبتنی بر پایداری به هویت ملی، استفاده از این شاخص است (FFP, 2010- 2016: 23). نمودار ۴ مقایسه‌ای از ۹ کشور غرب آسیا که سوریه نیز یکی از آن‌هاست، را نشان می‌دهد.



نمودار ۴- بررسی تطبیقی وضعیت نخبگان جناحی شده سوریه با ۸ کشور غرب آسیا

منبع: (زرین نرگس، ۱۳۹۴)

بر اساس نمودار ۴ کشورهای عراق، سوریه و عربستان بدترین وضعیت را از منظر این شاخص در غرب آسیا دارا هستند. سوریه از سال های شروع جنگ داخلی آن یعنی ۲۰۱۱ به بعد، امتیازهای ۷/۹ به بالا و گاهی ۹ و بالاتر را دریافت کرده است. چنان که گفته شد، امتیاز نزدیک به ۱۰ به معنای شکنندگی شدید دولت در شاخص موردنظر است.

عوامل مجال بخش تأثیرگذار بر شکل گیری و ماندگاری بحران ژئوپولیتیکی سوریه

الف) دولت های منطقه ای و شکل گیری و ماندگاری بحران ژئوپولیتیکی سوریه

۱- جمهوری اسلامی ایران: ایران و سوریه از همان ابتدای انقلاب اسلامی ایران تا امروز از روابط گرمی برخوردار بوده اند و سوریه به عنوان کلیدی ترین متحد و شریک منطقه ای ایران به حساب می آید. در ۲۵ جولای ۲۰۱۱، ایران، عراق و سوریه یک توافق نامه در زمینه گاز طبیعی به ارزش ۱۰ میلیارد دلار به امضا رساندند (Fulton, 2011: 3). اما شروع اعتراضات و بحران داخلی سوریه زمینه را برای دگرگونی در روابط دو کشور فراهم نمود. روابط دو کشور وارد مرحله ای شد که در قالب تلاش ایران برای حفظ بشار اسد و مقابله با نیروهای مخالف وی قابل صورت بندی است. ایران در سال های اخیر که سوریه درگیر بحران جنگ داخلی است تجهیزات نظامی ضروری را برای سوریه تدارک دیده است (Fulton, Wyer, 2012). حمایت ایران از دولت قانونی و مستقر سوریه در طول ۵ سال جنگ داخلی این کشور، از نقش حیاتی برای بقای اسد برخوردار بوده است. ایران حضور خود در سوریه را تقویت نموده است و هدف آن برافزایش نفوذ در پر کردن شکاف ها میان دولت اسد و روسیه، به عنوان دیگر بازیگر کلیدی در بحران سوریه است تا بتواند ابزاری برای این کشور در گفت و گوهایی صلح باشد. به نظر می رسد جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که «هرگونه تلاش غیر دموکراتیک برای حذف اسد منجر به نسل کشی علوی ها در سوریه و کاهش نفوذ ایران می شود که این موضوعی نیست که خواهان آن باشد» (Bozorgmehr, 2016).

۲- عربستان: به لحاظ تاریخی روابط عربستان سعودی و سوریه، هرگز چندان گرم نبوده است. اما در نیمه دوم ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۱، روابط عربستان سعودی و سوریه بهبود پیدا کرد، که این امر در نتیجه فرآیند آشتی با دیدار ملک عبدالله از دمشق در سال ۲۰۰۹ امکان پذیر شد. این ماه عسل روابط به واسطه بهار عربی به سرعت پایان یافت. در تابستان ۲۰۱۱، با گسترش اعتراضات ضد اسد در سوریه، عربستان به یک باره رفتار و موضع خود را تغییر داد و تصمیم گرفت که بر ضد نظام مستقر در سوریه عمل نماید. به طور کلی، موضع عربستان در سوریه، در اثر ترکیبی از عوامل شخصی، فرقه‌ای و بالاتر از هم این‌ها، سیاسی شکل گرفته است. نخست؛ عربستان هرگز نسبت به بشار اسد و ایدئولوژی بعثی سکولار آن خوش بین نبوده است. دوم؛ تداوم فشار بر مخالفان سیاسی سنی توسط دولت قانونی علویان حاکم، عربستان را برآشفته است. سوم؛ و قابل توجه‌تر از همه، عربستان زوال نظام سیاسی کنونی سوریه را فرصتی طلایی برای تضعیف ایران، مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای خود، می‌داند (ملهم از Bertti, Guzansky, 2012).

۳- ترکیه: حکومت ترکیه پس از ناآرامی‌های داخلی در سوریه، زبان به انتقاد از بشار اسد گشود. رجب طیب اردوغان مدعی شد که برای مردم سوریه، پذیرش دیکتاتوری که رهبر کشتار بیش از ۳۵۰ هزار نفر بوده است، غیرممکن است. ترکیه از مهم‌ترین کشورهای حامی مخالفان سوری است و میزبان بیش از ۲ میلیون آواره این کشور است. این کشور سیاست خود را بر عدم اعمال نظارت و کنترل عبور و مرور جنگ‌جویان شورشی، محموله‌های سلاح و پناهندگان قرار داده و نیز کنترلی بر جهادی‌های خارجی مایل به پیوستن به داعش قرار نداده است (طالبی آرانی، زرین نرگس، ۱۳۹۵). ترکیه و عربستان در سال ۲۰۱۶، سوریه را به مداخله نظامی تهدید کردند. انگیزه ترکیه روشن است: آنکارا به شدت درباره افزایش قدرت کردها در شمال شرقی سوریه نگران است. این مسئله به‌دوراز مخالفت غریزی ترکیه با هرگونه منطقه خودمختار برای کردها نیست. مخالفت ترکیه از این انگیزه نشات می‌گیرد که سازمان کردهای سوریه، یعنی یگان‌های مدافع خلق، روابط نزدیکی با حزب کارگران کردستان یعنی پ‌ک‌ک در ترکیه دارد، که یک گروه کردی در درون ترکیه است و به لحاظ بین‌المللی به‌عنوان سازمان تروریستی شناسایی شده است (Purcell, 2016). امروزه ترکیه به شکل مستقیم از طریق آتش توپخانه، استفاده از جت‌های خود و نیز حمایت از ارتش موسوم به آزاد سوریه، وارد عفرین در کردستان سوریه شده و این شهر را که در اختیار کردها بود، به کنترل خود درآورده و در تلاش است تا موضع کردها را در این کشور تضعیف و در مقابل موضع ترکیه و هم‌پیمانان اسلام‌گرای خود را در سوریه تقویت نماید.

(ب) عوامل فرا منطقه‌ای تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران ژئوپلیتیکی سوریه

۱- دولت‌های فرا منطقه‌ای بزرگ و مداخله‌گر در بحران ژئوپلیتیکی سوریه

۱-۱- آمریکا: از ابتدای بحران سوریه ایالات متحده، اسد را به ارتکاب جنایات گسترده متهم نموده است و خواهان کناره‌گیری اوست. در گام نخست ایالات متحده در آوریل ۲۰۱۱، تحریم‌هایی را علیه حکومت بشار اسد تحمیل نمود و در جولای نیز هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه وقت، اعلام کرد که بشار اسد مشروعیت خود را از دست داده است (Wilson, 2011: 11). این کشور به تدریج مراودات اقتصادی خود را با سوریه قطع نمود و روابط رسمی دو کشور به پایین‌ترین سطح رسید. با تشدید بحران در سوریه، حمایت‌های نظامی ایالات متحده از مخالفان سوری با اختصاص سلاح‌هایی به ارزش ۱۵ میلیون دلار وارد مرحله جدیدی شد (Schmitt, 2012). در سال ۲۰۱۳، ایالات متحده و انگلیس طرح آموزش نیروهای به اصطلاح سکولار و میانه‌رو سوری را در اردن به راه انداختند، برنامه ایالات متحده برای آموزش ۵ هزار معارض سوری برای جنگ با داعش در عرصه زمینی نیز چندان موفق نبود (Julian, Nick, 2012).

2013). پس از این تحولات آمریکا با مذاکرات توافقی بر سرپایان جنگ و ایجاد یک دولت انتقالی موافق نمود. اما این کشور از ابتدای سپتامبر ۲۰۱۴، حملات هوایی را علیه داعش و دیگر گروه های جهادی در سوریه را به عنوان بخشی از ائتلاف بین المللی علیه گروه های جهادی انجام داده است (طالبی آرانی، زرین نرگس، ۱۳۹۵). با شروع مداخله نظامی روسیه در سوریه در سال ۲۰۱۵، باراک اوباما با حمایت از نیروهای داخلی سوریه، گروه های کردی را که شامل ۲۵ هزار جنگجو بودند و اعراب مخالف نظام سیاسی سوریه را که ۵ هزار نفر بودند، در قالب "نیروهای سوریه دموکراتیک" تقویت نمود. برنامه آموزش و تجهیز مخالفان اسد در سوریه توسط "سیا"ی آمریکا در حال تداوم است (Starr et al, 2015).

روسیه: سه دلیل می توان برای حمایت روسیه از بشار اسد، از همان ابتدای شروع بحران این کشور برشمرد: نخست؛ مسکو از همان ابتدا بر این باور بود که واشنگتن و متحدان اروپایی آن نسبت به آنچه در سوریه می گذرد، دچار بدفهمی شده اند. مسکو نگران است که سقوط بشار اسد زمینه را برای خیزش یک نظام سیاسی رادیکالیست اسلامی سنی که نه تنها ضد غرب است، بلکه ضد روسی نیز خواهد بود، فراهم نماید. مسکو برای تأیید دیدگاه خود، سه کشور افغانستان، عراق و لیبی را که با رهبری آمریکا حکومت آنها ساقط شد، مثال می زند. دوم؛ مسکو نمی تواند به درکی از منافع آمریکا نسبت به تغییر رژیم در سوریه برسد. سوم؛ مسکو بر این باور است که انگیزه برانداختن دولت قانونی اسد، در اصل از عربستان سعودی و قطر سرچشمه می گیرد؛ چرا که دیدگاه روسیه نسبت به حمایت عربستان سعودی از اسلام گرایان رادیکال در چچن و قفقاز و دیگر مناطق، مسبوق به سابقه است (Katz, 2012:5).

با این اوصاف، مداخله نظامی روسیه در بحران سوریه، یک لایه پیچیده دیگر را بر این منازعه چند سطحی افزود. این مداخله محاسبات بسیاری از بازیگران داخلی و منطقه ای را تغییر داد و انگیزه بیشتری را برای رفتن به سمت یک فرایند سیاسی به آنها داد (Abboud, 2015). روسیه یکی از مهم ترین حامیان بین المللی اسد و از عوامل اصلی بقای او است که به معنای حفظ منافع روسیه در سوریه نیز هست. این کشور به مقابله با قطع نامه های پیشنهادی در شورای امنیت علیه اسد پرداخته و هم چنان در حال ارسال سلاح برای اسد و حملات هوایی علیه مخالفان دولت قانونی وی است (طالبی آرانی، زرین نرگس، ۱۳۹۵).

۲- عوامل امت محور تأثیر گذار بر شکل گیری و ماندگاری بحران ژئوپلیتیکی سوریه

۲-۱- عوامل سلبی تأثیر گذار بر شکل گیری و ماندگاری بحران ژئوپلیتیکی سوریه

از آغاز اعتراضات سوریه در سال ۲۰۱۱، که از شهر درعا آغاز شد، شاهد شکل گیری نیروهای شبه نظامی مختلفی در این کشور بوده ایم، که گاهی اوقات تعداد آنها تا ۱۰۰۰ گروه تخمین زده می شود. برآورد می شود که حدود ۳۰۰ هزار جنگجوی ضد اسد در سوریه حضور دارند که شامل نیروهای چندملیتی می شوند، این گروه ها در یک جبهه واحد مبارزه نمی کنند و اتحاد در میان آنها بسیار شکننده و متغیر است. در کنار گروه های اسلام گرای افراطی، اپوزیسیونی متشکل از نیروهای میانه رو، سکولار و گروه های کردی نیز حضور دارند. ۷۲ جناح از این نیروها در سال ۲۰۱۴، در جبهه ضد اسد تحت حمایت آمریکا و عربستان قرار گرفتند. این شورا، اتحادی میان اعضای ارتش آزاد سوریه است. این نیرو مشتمل از ۵۰ هزار نفر است که بیشتر آنها تجربه نظامی گری در ارتش اسد را داشته اند (Ezrow, 2015).

النصره، در آگوست ۲۰۱۱ در عراق، زمانی که رهبر داعش، ابوبکر البغدادی یک شاخه سوری از القاعده را در آگوست ۲۰۱۱ ایجاد نمود، آغاز به فعالیت کرد. نیروهای النصره، خصوصاً گروه های مهاجم آن، بسیار موفق و آموزش دیده هستند. تا زمانی که

به‌عنوان یک نیروی ارتش آزاد سوریه فعالیت می‌کرد، از حمایت غرب برخوردار بود، تا این‌که در دسامبر ۲۰۱۲ مشخص شد که دارای روابط نزدیک با القاعده است (Ezrow, 2015). این نیرو در سال ۲۰۱۶، به جبهه فتح الشام تغییر نام داد و روابط خود را به شکلی مصلحتی با القاعده قطع کرد تا برای ایجاد دولت اسلامی در سوریه مبارزه کند (The Guardian, 2016). این نیرو در حال حاضر قدرت چشم‌گیری در سوریه دارد و در مبارزه با مخالفان سکولار، اسد و داعش، بسیار موفق عمل می‌کند.

مخوف‌ترین گروه سلبی در سوریه، دولت اسلامی یا همان داعش است. داعش گروه تندرو تروریستی و چندملیتی است (Katzman, 2014: 3)، که از سال ۲۰۱۳ به یک عنوان جهانی تبدیل‌شده که عراق، سوریه، منطقه و حتی تمام جهان را به خود مشغول کرده است. داعش به‌عنوان خونین‌ترین ماحصل جریان سلفیت جهادی، نتیجه واقعی شکست دولت و وضعیت بحرانی، قبیله‌گرایی، بسته بودن افق‌های راه‌حل سیاسی و عمیق‌ترشدن بحران‌ها بوده است. درواقع، داعش پدیده‌ای سیاسی، نظامی، مذهبی، ایدئولوژیک و اجتماعی محسوب می‌شود. مجموعه‌ای از ویژگی‌های متضاد فکری، سیاسی و اجتماعی در این گروه، سازمان‌یافته است. بعد از ۲۰۱۴/۶/۱۰ و سقوط موصل و بعدها، اشغال ۳۵ درصد از خاک عراق توسط این سازمان تروریستی، وضعیتی ویژه به وجود آمد (زرین نرگس، ۱۳۹۴: ۱۵۹). در طی چند ماه، دولت اسلامی مناطقی گسترده از غرب سوریه و شرق عراق را به کنترل خود درآورد، که جمعیتی بالغ بر ۱۰ میلیون نفر را در سال ۲۰۱۴ شامل می‌شود (طالبی آرانی، زرین نرگس، ۱۳۹۵). جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با این نیرو، نقش کلیدی را در تضعیف مواضع داعش داشته است و به نیروهای سوری و عراقی در جنگ با داعش، کمک‌های فراوانی نموده است. این نیرو در حال حاضر جغرافیای بسیار محدودی را در سوریه تحت کنترل داشته و زمینه برای نابودی سرزمینی آن در حال تدارک است، اما ایده داعش و تجدید ظهور آن به شیوه‌ای دیگر به این راحتی نابودشانی نیست.

عوامل ایجابی تأثیرگذار بر شکل‌گیری و ماندگاری بحران ژئوپلیتیکی سوریه

با تشدید بحران سوریه، از همان ابتدا زمینه برای شکل‌گیری نیروهای نظامی و شبه‌نظامی فراهم شد که به‌منظور حمایت از دولت اسد تشکیل شدند. مهم‌ترین این نیروها از قبیل شبه‌نظامیان "شبیحه"^{۷۸} هستند. این نیروها شامل چند هزار نیروی وفادار به اسد یا اعضای فرقه‌ای علوی هستند که دربرگیرنده‌ی بسیاری از خانواده‌های ارتشی، بعضی‌های معتقد، اجتماعات مذهبی اقلیت، برخی قبایل سنی عرب و دیگر نیروهای منتفع از وابستگی به اسد است (Lund, 2015: 3). نظامیان حزب‌الله لبنان از مهم‌ترین حامیان غیر سوری اسد بوده و نقش مهمی در تجدید قدرت و اقتدار اسد در سوریه دارند (Lund, 2015: 3).

نیروهای دفاع ملی؛ با تغییر نشان، بازسازی، و ادغام کمیته‌های محلی مردمی و دیگر گروه‌های نظامی حامی اسد از سال ۲۰۱۲ ایجاد شده است. بسیاری از گزارش‌ها حاکی از آن است که این نیروها توسط ایران ایجاد و آموزش داده می‌شوند که شامل؛ علوی‌ها و گروه‌های مسیحی در منطقه حمص است. گردان‌های بعث؛ تنها نیروی شبه‌نظامی منفک از نیروهای دفاع ملی است که به نظر می‌رسد دارای سازمانی واقعی در سطح ملی است. این نیروی بعثی به‌عنوان یک شاخه نظامی حزب حاکم سوریه سازمان‌دهی شد. بریگاد بیت‌المقدس؛ یکی از اصلی‌ترین نیروهای نظامی حامی حکومت در منطقه حلب در کنار گردان‌های بعث است. بریگاد بیت‌المقدس از طریق سازمان‌دهی مجدد نیروهای پشتیبان فلسطینی از کمپ پناهندگان نی رب‌الدر شمال غربی سوریه تشکیل شد. آن‌ها به نیروهای پیش‌رو در حلب بدل شده‌اند. مقاومت سوریه؛ در شمال لاذقیه، یک ترک تبعیدی معروف به علی کیالی، یک نیروی شبه‌نظامی کوچک

به نام مقاومت سوریه را سازماندهی نمود، که یک مبارزه رسانه‌ای فعال را به راه انداخته است. حزب ملی گرای اجتماعی سوریه^۷ در منطقه حمص و دیگر جاها، نیرویی کوچک است که در لبنان و سوریه فعال است، و باهدف حمایت از دولت اسد، خود را در مناطق مسیحی نشین سازماندهی نموده است (Lund, 2015:5). این نیروها در تلاش‌اند تا اسد و نیروهای ارتش را تقویت نمایند و زمینه را برای بقای نظام سیاسی سوریه و تضعیف مخالفان سوری و رادیکال‌های اسلامی فراهم آورند به گونه‌ای که بتوانند مواضع خود را در بخش‌های مختلف سوریه، با حمایت حملات هوایی ارتش این کشور و روسیه تحکیم بخشند.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی، می‌توان چنین استدلال کرد که منطقه غرب آسیا و به‌ویژه سوریه بر اساس مدل تبیینی موردبحث در این نوشتار، مستعدترین نواحی جهان در زمینه وقوع و ماندگاری بحران‌های ژئوپولیتیکی به شمار می‌آید، چراکه هیچ منطقه و دولتی در جهان تا این اندازه از حیث دولت سازی با چالش‌های قوام‌بخش مواجه نبوده است و تا این اندازه آماج مداخله‌های فرا منطقه‌ای قرار نگرفته است. از سوی دیگر، عملاً و واقعاً هیچ‌گونه تلاش ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای رفع یا حداقل مهار بحران‌های ژئوپولیتیکی در این منطقه و به‌ویژه در سوریه انجام نگرفته است. از این‌رو به نظر می‌رسد بحران‌های ژئوپولیتیکی در غرب آسیا نه تنها ماندگار خواهند بود بلکه به علت انباشتگی چالش‌های آن، چه‌بسا ممکن است به بیرون منطقه نیز تسری یابند. در این راستا، پیش‌بینی می‌شود که گسترش افقی بحران‌های ژئوپولیتیکی غرب آسیا به بحران‌های اجتماعی از قبیل بحران آوارگان محدود نخواهد ماند. تدابیر پیشگیرانه برای جلوگیری از وقوع این سناریو همانا مهندسی معکوس در زمینه عادی‌سازی نظام دولت در این منطقه بر پایه زدودن چالش‌های قوام‌بخش و مجال بخش از آن خواهد بود.

منابع و مآخذ

- زرین نرگس، یحیی (۱۳۹۴)، بررسی چرایی ناکامیابی دولت در عراق نوین و ارائه راه کارها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- طالبی آرانی، روح‌الله (۱۳۹۳)، درس گفتارهای فرهنگ، قومیت و ملیت، جمع‌آوری و تنظیم یحیی زرین نرگس، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰)، جهانی‌شدن و جهان سوم، تهران، نشر سمت.
- ونت، الکساندر (۱۳۹۲)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، مترجم حمیرا مشیر زاده، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- یزدان فام، محمود (۱۳۹۲)، دولت‌های شکننده و امنیت انسانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هالیدی، فرد، بری بوزان، بری و هینه بوش، ریموند (۱۳۹۱)، خاورمیانه نو: نظریه و عمل، ترجمه عسگر قهرمانپور، تهران: انتشارات امیرکبیر
- Abboud, S. (2015), Analysis is Iran Really Pulling Out of Syria? Retrieved from: <http://www.aljazeera.com/news/2015/12/analysis-iran-pulling-syria-151214055704354.html>
- Berti, B., Guzansky, Y. (2012), The Syrian Crisis and the Saudi-Iranian Rivalry the Foreign Policy Research Institute Retrieved from <http://www.fpri.org/article/2012/10/the-syrian-crisis-and-the-saudi-iranian-rivalry/>
- Bozorgmehr, N. (2016), Iran Deploys Army to Bolster Support for Syrian president the Financial Times. Retrieved from <https://www.ft.com/content/1e8910d4-0194-11e6-99cb-83242733f755>
- Emre, P., Abu-Nasr, D. (15 March 2012), Syrian Armed Forces Desertion Said to Surge to 60,000, Bloomberg, Retrieved 7 January 2014.
- Ezrow, N. (2015), Explainer who are Syria's anti-Assad forces? Retrieved from: <http://theconversation.com/explainer-who-are-syrias-anti-assad-forces-48527>
- FFP (2010- 2016), Retrieved from: www.fundforpeace.org.

- Fulton, W., (2011), Syria-Iran Foreign Relations. Iran Tracker. Retrieved from: <http://www.irantracker.org/foreign-relations/syria-iran-foreign-relations>
- Fulton, W., Wyer, S. (2012), Iranian Strategy in Syria. Institute for study of war Retrieved from: <http://www.understandingwar.org/report/iranian-strategy-syria>
- Halliday, F. (2005), The Middle East in International Relations Power, Politics and Ideology New York. Published in the United States of America by Cambridge University Pub.
- Hinnebusch, R. (2003), The international Politics of the Middle East Manchester University Pub.
- <http://www.pbs.org/wgbh/frontline/article/a-staggering-new-death-toll-for-syrias-war-470000/>
- <http://www.tradingeconomics.com/iraq/corruption-rank>.
- <http://www.unocha.org/syrian-arab-republic/syria-country-profile/about-crisis>.
- Katz, M.N. (2012), Russia and the Arab Spring Middle East Institute Retrieved from: <http://www.mei.edu/content/russia-and-arab-spring>
- Katzman, K., Blanchard, C. M., Humud, C. E., Margesson, R., Tiersky, A., Weed, M. C. (2014), The Islamic State Crisis and US Policy Congressional Research Service (Library of Congress). (In Kurdish)
- Lund, A., (2015), Who Are the Pro-Assad Militias? The Carnegie Endowment for International Peace. Retrieved from <http://carnegieendowment.org/syriaincrisis/?fa=59215>.
- Mercy corps (2016), Quick facts What you Need to know About the Syria Crisis Mercy Corps Global Humanitarian Aid Agency, Retrieved from: <https://www.mercycorps.org/articles/iraq-jordan-lebanon-syria-turkey/quick-facts-what-you-need-know-about-syria-crisis>
- Pollack, M. K. (2004), Arabs at War Military Effectiveness, 1948-1991 (Studies in War, Society, and the Military). Bison Books.
- Purcell, J. (2016), Will Turkey and Saudi Arabia intervene in Syria? Retrieved from: <http://globalriskinsights.com/2016/03/will-turkey-and-saudi-arabia-intervene-in-syria/>
- Schmitt, E. (2012), C.I.A, Said to Aid in Steering Arms to Syrian Opposition, the New York Times.
- Sly, L. (2011), Sectarian Violence kills Dozens in Syria Washington Post Retrieved from: https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/syrian-tanks-troops-fire-on-protest-strongholds-in-homs/2011/11/03/gIQAfVBbIM_story.html.
- Starr, B., Labott, E., Acosta, J. (2015). Obama authorizes resupply of Syrian opposition. Retrieved from: <http://edition.cnn.com/2015/10/05/politics/russia-ground-campaign-syria-isis/>
- Wilson, S.(2011),How the U.S. Message on Assad Shifted Washington Post Retrieved from: https://www.washingtonpost.com/blogs/checkpoint-shifted/2011/08/18/gIQAfPZxNJ_blog.html